

﴿وَدَاعِيَا إِلَىٰ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا﴾ (سورة احزاب آیه ۴۶)

# «سراج»

مرور سرعتی دروس دین و زندگی دوازدهم

مرتضی محسنی کبیر

## اندیشه مانند بذری است

که در ذهن جوانه می‌زند.  
در دل و قلب ریشه می‌دواند.  
و برگ و بار آن به صورت اعمال ظاهر می‌شود.

## اندیشه:

بهار جوانی را پرطراوت و زیبا می‌سازد.  
استعدادهای را شکوفا می‌کند.  
و امید به آینده‌ای زیبا را نوید می‌بخشد.

👉 برترین عبادت‌ها ← اندیشه و تفکر

حدیث نبوی: «افضل العبادۃ ادمان التفکر فی الله و فی قدرته»

👉 هر کدام از ما براساس فطرت خویش خدا را می‌یابیم (یافتن) و حضورش را درک می‌کنیم.

## نیازمندی جهان به خدا در پیدایش:

﴿يا ايها الناس انتم الفقراء الى الله...﴾

## مقدمه اول:

ما و این جهان، وجودمان از خودمان نیست و هستی ما از خودمان سرچشمه نمی‌گیرد و پدیده هستیم.

## مقدمه دوم:

موجوداتی که پدیده هستند و وجودشان از خودشان نیست، در موجود شدن نیازمند به وجودی هستند که

وجودش از خودش باشد. (شعر: «ذات نایافته از هستی بخش / چون تواند که بود هستی بخش»)

«خشک ابری که بود ز آب تهی / ناید از وی صفت آب دهی»

## نتیجه:

ما و همه پدیده‌های جهان در پدید آمدن و هست شدن نیازمند به وجودی هستیم که وجودش از خودش و عین ذاتش

باشد. (خداوند = واجب الوجود = علة العلل = قائم به ذات = علت اول)

مانند رابطه ساختمان با معمار و بنا (یا ساعت با ساعت ساز) نیست زیرا بنا نه اجزای ساختمان را پدید آورده و نه خواص آن را، کار بنا فقط جابه جا کردن مواد و چینش آن هاست.

تا حدی شبیه رابطه جریان برق با مولد برق است (نیاز دائمی) زیرا موجودات پس از پیدایش نیز همچنان مانند لحظه نخست خلق شدن به خداوند نیازمند هستند، از این رو دائماً به پیشگاه الهی عرض نیاز می کنند.

**شعر:** «ما چو ناییم و نوا در ما ز توست / ما چو کوهیم و صدا در ما ز توست ...» (ما که باشیم - ما عدم‌هاییم - دم به دم)

**آیه:** ﴿يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ﴾

نیازمندی جهان به خدا در بقا:

دو دسته انسان‌ها: نا آگاه (جاهل): به نیاز دائمی به خدا بی توجه‌اند.  
آگاه (عالم): دائماً سایه لطف و رحمت خدا را مشاهده می کنند و خود را نیازمند می بینند.

افزایش معرفت به خدا و رابطه با خدا (افزایش خود شناسی) ← درک بیشتر فقر و نیاز ← افزایش عبودیت و بندگی

(معلول)

معلول (علت)

(علت)

دعای پیامبر (ص): «اللَّهُمَّ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا».

ثمره درک نیازمندی به خدای بی نیاز:

**معنا:** تمام موجودات "وجود" خود را از او می گیرند و به سبب او پیدا و آشکار شده و پا به عرصه هستی می گذارند توحید در خالقیت

**آیه:** ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾: هر موجودی تجلی بخش خداوند و نشانگر حکمت و قدرت، رحمت و سایر صفات

**شعر:** «دلی کز معرفت نور و صفا دید / به هر چیزی که دید، اول خدا دید»

**شعر:** «به صحرا بنگرم، صحرا تو بینم / به دریا بنگرم، دریا تو بینم ...»

**حدیث:** «ما رأيت شيئاً إلّا ورأيت الله قبله وبعده و معه»

**معرفت عمیق و والا:** **تعریف:** در هر چیزی خدا ببینید، در نگاه نخست مشکل - هدفی قابل دسترسی - به خصوص برای جوان و نوجوانان

**لازمه:** پاکی و صفای قلب - تصمیم قوی ← به یقین خداوند نیز کمک می کند. ﴿وَالَّذِينَ جَاهِدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ ...﴾

موضوعات: **محدود:** در ذهن می گنجد، چیستی آن ها را می شناسیم.  
**نامحدود:** ذهن ما گنجایش آن ها را ندارد زیرا لازمه شناخت هر چیزی احاطه و دسترسی به آن است.

ناتوانی انسان در شناخت  
ذات چیستی خداوند:

**شناخت خداوند:** هستی ← نیاز به → نشانه ← برای انسان ممکن (تشویق) ﴿تفکروا فی کل شیء﴾ (وجوب تفکر در اسماء و صفات خداوند)  
 چیستی (ماهیت و چگونگی) ← نیاز به → احاطه ← برای انسان ناممکن (ممنوع) ﴿لا تفکروا فی ذات الله﴾ (حرمت تفکر در ذات)

|       |           |         |             |
|-------|-----------|---------|-------------|
| مُحیط | اسم فاعل  | خداوند  | احاطه کننده |
| مُحاط | اسم مفعول | مخلوقات | احاطه شده   |

اسلام: دین توحید

قرآن: کتاب توحید

مہم ترین اعتقاد دینی = توحید:

بدون توحید: اعتقاد دیگری اعتبار ندارد.

سرلوحہ دعوت ہمہ پیامبران بودہ است.

مانند روحی در پیکرہ احکام دین بہ آن حیات و معنا می بخشد.

|                                 |                 |
|---------------------------------|-----------------|
| ص ۱۹ دوازدہم                    | لا الہ الا اللہ |
| ص ۱۰۹ دوازدہم بہ صورت فارسی     |                 |
| ص ۱۰۱ یازدہم (حدیث سلسلہ الذهب) |                 |
| ص ۵۳ دہم                        |                 |
| ص ۱۱۵ دہم                       |                 |

یگانہ بی ہمتا

خدا بی ہمتاست شریکی ندارد.

﴿قل هو اللہ احد﴾

﴿و لم یکن لہ کفواً احد﴾

﴿و هو الواحد القہار﴾

اصل توحید:

نفی شرک و ایمان بہ خدای یگانہ بہ درخواست پیامبر (ص) در آغاز بعثت

با گفتن این عبارت تمام احکام و حقوق اسلامی فرد بہ رسمیت شناختہ می شود.

دفاع از حقوق او بر دیگر مسلمانان واجب می گشت و در زمرہ برادران و خواہران دینی قرار می گرفت.

التزام (پایبندی) بہ آن ہمہ زندگی فرد تازہ مسلمان را در رابطہ با خدا و خویشتن، خانوادہ، اجتماع و دیگر مخلوقات تغییر می داد.

جملہ لا الہ الا اللہ:

**خالقیت:** تنها مبدأ و خالق بودن - موجودات همه مخلوق او هستند. در کار آفرینش شریک و همتایی ندارند. - خالق کل شیء - معلول:

اصل توحید است: ﴿و هو الواحد القهار﴾

**مالکیت:** ﴿و لله ما فی السموات و ما فی الارض...﴾ ﴿قل یا عبادى الذین اسرفوا...﴾ معلول خالقیت است.

**ولایت:** حق تصرف و تغییر - سرپرستی - فرمانروایی - ﴿ما لهم من دونه من ولی و لا یشرک فی حکمه احدا﴾ - معلول مالکیت

**ربوبیت:** رب - تدبیر - پرورش - اراده - هدایت - زارع حقیقی - ﴿و هو رب کل شیء﴾ - معلول خالقیت و مالکیت و ولایت است.

حدیث امام علی (ع): «خدای من! مرا این عزت بس که بنده تو باشم و این افتخار بس که پروردگار منی...»

**توحید:** **نظری** (عقیده) خمور: (علت)  
**عملی** (عبادی) (درس ۳)  
(معلول)

|                                          |                   |
|------------------------------------------|-------------------|
| خداوند شریک و همتایی ندارد               | اصل و حقیقت توحید |
| خداوند در کار آفرینش شریک و همتایی ندارد | توحید در خالقیت   |

**مقایسه باغبان:** با دیگران: کار زراعت از خودش است.

با خدا: همه چیز را از خدا گرفته و زارع حقیقی خداوند است، (ربوبیت) لذا باید شکرگزار باشد. (عملی)

**(۱) شرک در خالقیت:** اعتقاد به چند خالق که این جهان را آفریده‌اند: در این صورت باید هر دو محدود و ناقص باشند چون کمالات یکدیگر را

ندارند. ﴿ام جعلو لله شرکاء خلقوا...﴾

**(۲) شرک در مالکیت:** اعتقاد به اینکه در کنار (عرض) خداوند، دیگران هم مالک بخشی از جهان هستند. ﴿لا یملکون...﴾

\* اگر کسی شرک در خالقیت داشته باشد، معتقد به شرک در مالکیت نیز خواهد بود.

**(۳) شرک در ولایت:** اعتقاد به اینکه در کنار (عرض) خداوند دیگرانی نیز هستند که سرپرستی جهان را عهده دارند و خودشان حق تصرف

در جهان را دارند. (اولیاء)

**(۴) شرک در ربوبیت:** اعتقاد به اینکه در کنار (عرض) خدا دیگرانی نیز هستند که تدبیر موجودات را بر عهده دارند. (حسابی جداگانه - مستقل)

﴿قل اغیر الله ابغی رباً﴾

🌸 آیا درخواست از پزشک برای درمان و بهبود یا توسل به پیامبر (ص) و معصومین (ع) شرک به حساب می آید؟

**اولاً:** خداوند رابطه علیت را میان پدیده های جهان حاکم کرده است — **مادی:** آتش موجب گرما و روشنی - دارو سبب شفا و بهبودی، پزشک وسیله درمان و این شرک نیست عمل کردن به قانون الهی است.

— **معنوی:** دعا سبب مغفرت و آمرزش، صدقه موجب دفع بلا، صلّه رحم موجب افزایش عمر

**ثانیاً:** درخواست از غیر خدا: — پزشک به واسطه استفاده از اسباب مادی است. — و همگی به اذن خدا قابل انجام است. (رابطه طولی)

— اولیای الهی به واسطه اسباب غیر مادی و معنوی است.

**عقیده به توانایی پیامبر اکرم (ص):** — وقتی موجب شرک است که این توانایی را از خود آن ها و مستقل از خدا بدانیم. — اما اگر این توانایی را صرفاً از خدا و انجام آن را با درخواست اولیاء از خداوند و به اذن خدا بدانیم عین توحید است.

**و اولیای دین در برآوردن حاجات و شفا دادن**

**تکفیری ها:** — تفکر غلطی درباره توحید و شرک دارند و هر مسلمانی که مانند آنان نمی اندیشد را کافر و مشرک می دانند. — توسل به پیامبر و معصومین (ع) و طلب دعا و شفیع قرار دادن دیگران برای اینکه خدا انسان را ببخشد را شرک می دانند.

|                    |                     |
|--------------------|---------------------|
| توحید در خالقیت    | همه چیز از خداست    |
| توحید در مالکیت    | همه چیز از آن خداست |
| اخلاص - توحید عملی | همه کارها برای خدا  |

|       |                                     |                |
|-------|-------------------------------------|----------------|
| احدٌ  | ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾          | اصل توحید      |
| احدٌ  | ﴿وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾ | اصل توحید      |
| احداً | ﴿لَا يَشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا﴾ | توحید در ولایت |

ریشه سبک زندگی: افکار و اندیشه‌های خاص و جهان بینی ویژه‌ای است که مسیر زندگی ما را تغییر می‌دهد و سرنوشت دنیا و آخرت ما را رقم می‌زند.

انتخاب سبک زندگی باید: براساس فکر و به دور از احساسات باشد و دلیل محکم و عقل پسند داشته باشد.

انسانی که خداوند رابه عنوان خالق جهان پذیرفته است و ایمان دارد که او پروردگار هستی است رفتاری متناسب با این اعتقاد خواهد داشت.

**آیه:** ﴿إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ﴾ (علت) فاعبدوه هذا صراط مستقیم (معلول)

میزان تأثیرگذاری بستگی به درجه ایمان افراد به توحید و یکتا پرستی دارد.

**بندۀ خدا:** او را می‌پرستد، خاضع و خاشع، نماز می‌گزارد. شعر: «برآستان جانان گر سر توان نهادن / گلبانگ سربلندی بر آسمان توان زد.»

جعفر بن ابی طالب: «ما قبلاً قومی جاهل بودیم، بت می‌پرستیدیم ... پیامبر، ما را به خدا فراخواند که او را یگانه بدانیم ...»

**بازتاب توحید در زندگی:**

**تعریف:** اطاعت از فرمان‌های الهی و پرستش او

**ویژگی انسان موحد:** قرار دادن تمایلات درونی و تصمیم‌ها و فعالیت‌ها در جهت خواست و رضایت الهی (مانند انتخاب همسر و شغل)

**نگرش انسان موحد:** هیچ حادثه‌ای در عالم بی حکمت نیست، انسان امیدوار و در مقابل سختی‌ها و مشکلات صبور و استوار است و آن

را بستری برای رشد و شکوفایی می‌داند. ﴿و اصبر علی ما اصابک ...﴾ (درس ۸ دهم ص ۹۹)

**شخصیت انسان موحد:** ثابت و پایدار، برخوردار از آرامش روحی

**وظیفه انسان موحد:** موجودات را مخلوقات خدا می‌دانند و در برابر آن‌ها مسئول است.

**سخن امام علی (ع):** «تقوای الهی پیشه کنید، هم درمورد بندگان خدا، هم در مورد شهرها و آبادی‌ها، چرا که شما در برابر همه این‌ها حتی

سرزمین‌ها و چهار پایان مسئولید خدا را اطاعت کنید و از عصیان او بپرهیزید.»

**توحید عملی در بعد فردی:**

|                 |              |             |
|-----------------|--------------|-------------|
| توحید عملی      | ص ۳۲ دوازدهم | صراط مستقیم |
| توحید عملی      | ص ۴۳ دوازدهم |             |
| توحید در ربوبیت | ص ۷۶ دوازدهم |             |
| توحید در ربوبیت | ص ۱۲۵ دهم    |             |

**تعریف:** دل سپردن به هوای نفس (بت درون)، یا در کسب رضایت قدرت‌های مادی و طاغوت‌ها (بت بیرون)

**شُرک عملی در بعد فردی:** **آیه:** ﴿ارایت من اتخذ الهه هواه افانت تکون علیه وکیلاً﴾

**شخصیت انسان مشرک:** درونی ناآرام و شخصیتی ناپایدار و هوای نفس و قدرت‌های مادی او را به بردگی می‌کشانند.

**آیه:** ﴿و من الناس من یعبد الله علی حرف فان اصابه خیر اطمان به و ان اصابته فتنه انقلب علی وجهه خسر الدنیا و الاخرة ذلک هو الخسران المبین﴾

**تعریف:** قرار گرفتن همهٔ نهادها و ارکان یک جامعه یا نظام اجتماعی در جهت خدا و اطاعت همه‌جانبه از او

**کاربرد:** حاکم و زمامدار براساس قوانین الهی به حکومت رسیده باشد و شرایطی که خداوند برای حاکم تعیین کرده است دارا باشد و بکوشد قوانین الهی را در جامعه به اجرا درآورد.

**ویژگی‌ها:** دارای ارکان اقتصاد و فرهنگ و سایر ابعاد است، عدالت‌گستری، دوری از تفرقه و تضاد، وحدت و هماهنگی، نپذیرفتن حکومت طاغوت، مبارزه با ظالمان و دشمنان خدا، حمایت از محرومان و مستضعفان.

**آیه:** ﴿یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا عدوی و عدوکم اولیاء تلقون الیهم بالمودة و قد کفروا بما جاءکم من الحق﴾

(حکمت)

(حکم)

**توحید عملی**

**در بعد اجتماعی:**

فقط دنبال کردن خواسته‌ها و تمایلات دنیوی خود

تنها محور قراردادن منافع خود

اهل ایثار و تعاون و خیر رساندن نبودن

فراگیر شدن تفرقه و تضاد و از بین رفتن امکان رشد و تعالی

انسان‌های ستمگر بیشتر قدرت پیدا می‌کنند و دیگران را در خدمت امیال خود بکار می‌برند.

نبودن سخن از حاکمیت خداوند و فرمان‌های او، بلکه سخن از حاکمیت طاغوت و دستوراتش است.

**شُرک عملی**

**در بعد اجتماعی:**

🌸 میان بعد فردی و بعد اجتماعی توحید عملی رابطه‌ای متقابل (دوسویه = دوطرفه) وجود دارد.

توحید و شرک  
در جهان امروز

توحید روح زندگی دینی است ﴿إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ فَاعْبُدُوهُ...﴾ و شرک روح زندگی ضد دینی است ﴿أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ...﴾ ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ...﴾

در جهان امروز، شرک بسیار پیچیده تری از شرک قدیم است: (۱) امروزه بسیاری از انسان ها، جهان خلقت را ملک خود تلقی می کنند.

**پیامدهای آن:** تخریب محیط زیست، آلوده شدن طبیعت

پیدا شدن جوامع بسیار فقیر در کنار جوامع بسیار ثروتمند

برخی از این انسان ها، مانند فرعون که «أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى» می گفت،

خود را پروردگار بزرگ مردم معرفی می کنند (روحیه فرعونیت و تفرعن)

(۲) بسیاری از انسان ها به امور دنیوی سرگرم شده اند.

خدا را فراموش کرده اند.

خداوند در قلب آن ها جایگاهی ندارد.

زینت دنیا و لذات و شهوات باعث دوری از خلوت انس با

خدا شده است.

هوی و هوس بت وجودشان شده است و یکسره از خدا

غافل شده اند.

|                           |                                       |
|---------------------------|---------------------------------------|
| ص ۳۴ دوازدهم              | یا ایها الذین آمنوا<br>خطاب به مؤمنان |
| ص ۱۱۰ دوازدهم             |                                       |
| ص ۹ یازدهم                |                                       |
| ص ۶۶ یازدهم               |                                       |
| ص ۱۲۷ دهم (به صورت فارسی) |                                       |
| ص ۱۲۹ دهم                 |                                       |

|           |              |                                |
|-----------|--------------|--------------------------------|
| افاتخذتم  | ص ۲۲ دوازدهم | إِتَّخَذَ - يَتَّخِذُ<br>(شرک) |
| اتخذ      | ص ۲۳ دوازدهم |                                |
| لا تتخذوا | ص ۳۵ دوازدهم |                                |
| يتخذ      | ص ۱۱۲ دهم    |                                |

🌟 برای تجربه کردن یک زندگی خالص توحیدی، باید اندیشه و قلب و عمل را برای خدا قرار داد و آن گونه که او می‌پسندد زندگی کرد، آیه: «بگو همانا نماز و عبادت‌هایم و زندگی و مرگم فقط برای خداست که پروردگار جهانیان است.» ﴿قُلْ اِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (ص ۲۲ دهم)

🌟 انسان همواره برسر دو راهی: { **بندگی خدا ﴿ان اعبدون﴾** ← قرار دارد. این همان عهد پیمانی است (گرایش فطری انسان به پرستش) **بندگی هوای نفس و شیطان ﴿ان لا تعبدوا الشیطان﴾** }  
 که خداوند از انسان گرفته است. ﴿الم اعهد اليکم یا بنی آدم...﴾

|                         |                 |      |
|-------------------------|-----------------|------|
| ﴿لله رب العالمین﴾       | اخلاص - عملی    | ص ۴۲ |
| ﴿لله ما فی السماوات...﴾ | توحید در مالکیت | ص ۱۹ |

|                |      |
|----------------|------|
| عدو مبین       | ص ۴۳ |
| الخسران المبین | ص ۳۴ |

🌟 زیرا شیطان دشمن آشکار است. ﴿اِنَّهٗ لکم عدو مبین﴾

🌟 در حدیث پیامبر (ص) آمده است: «راهیابی شرک بر دل انسان از راه رفتن مورچه‌ای سیاه در شب تاریک بر تخته سنگی سیاه پنهان‌تر است.» - شعر: «پاسبان حرم دل شده ام شب همه شب / تا در این پرده جز اندیشه او نگذارم»

آیه: ﴿قُلْ اِنَّمَا اعظکم بواحدة ان تقوموا لله مثنی وفرادی﴾: \*تنها موعظهٔ پیامبر (ص)\*، عمل برای رضای خدا همان گونه که او دستور داده است. (شرط قبولی

تمام اعمال)

حدیث پیامبر (ص): «مؤمنان با توجه به مراتب اخلاصشان، بر یکدیگر برتری (فضیلت) پیدا می‌کنند.»

حدیث پیامبر (ص): «نية المومن خير من عمله»

«انما الاعمال بالنيات»

حدیث امام علی (ع): «فاعل الخير خير منه و فاعل الشر شر منه»

اخلاص در بندگی:

|       |                            |
|-------|----------------------------|
| مثنی  | توحید عملی در بُعد اجتماعی |
| فرادی | توحید عملی در بُعد فردی    |

🌟 هر عملی از دو جزء تشکیل شده است: **اول:** نیت که به آن هدف یا قصد نیز می‌گویند. (روح عمل = حُسن فاعلی)

**دوم:** شکل و ظاهر عمل (شکل عمل در حکم بدن و کالبد آن روح = حسن فعلی)

**درستی و صحت عمل:** (۱) **حسن فاعلی:** نیت به خاطر خدا: باطن عمل: دارای معرفت درست و نیت الهی  
(۲) **حسن فعلی:** همان گونه که خداوند دستور داده: کمیت و کیفیت، زمان و مکان، همان طوری انجام دهد که خداوند می خواهد و فرمان داده است.

\* **حسن فعلی تابع حسن فاعلی است:** — حسن فاعلی بدون حسن فعلی: جهل  
حسن فعلی بدون حسن فاعلی: ریا

\* اگر فردی تنها برای لاغر شدن یا سلامت جسم روزه بگیرد ← باطل است چون حسن فاعلی ندارد.

\* اگر کسی به نیت کار خیر مانند شرکت در نماز جماعت در مسجد از منزل بیرون بیاید و به دلیل مانعی نتواند به مسجد برسد، چون حسن فاعلی دارد دارای پاداش است.

### راه های تقویت اخلاص (ارد):

- ۱ - **افزایش معرفت نسبت به خدا:**
- پیوند محکم میان معرفت به خداوند و ایمان به او وجود دارد.
  - ارتباط دقیق میان ایمان به خدا و اخلاص برقرار است.
  - هر قدر معرفت به خدا بیشتر شود به افزایش درجه اخلاص کمک خواهد کرد.
  - پس خوب است ساعاتی را صرف تفکر در آیات و نشانه های الهی کنیم. ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ...﴾ ﴿اَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ...﴾ ﴿ادمان التفکر...﴾
  - شعر:** «آفرینش همه تنبیه خداوند دل است / دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار»
  - «این همه نقش عجب بر در و دوار وجود / هرکه فکر نکند نقش بود بر دیوار»
  - کسی که گرفتار غفلت شد: آیات الهی را نخواهد یافت.
  - شعر:** «مهر رخسار تو می تابد ز ذرات جهان...» ﴿اللّٰهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ...﴾ - ﴿مَا رَأَيْتُ شَيْئاً...﴾
  - عمل بر اساس معرفت و آگاهی بسیار ارزشمندتر و مقدس تر از عملی است که در آن معرفتی نیست.

- ۱- غفلت از خداوند را کم می کند.
- ۲- محبت او را در قلب تقویت می سازد.
- ۳- انسان را از کمک های الهی بهره مند می نماید.
- دعاها: «اللهم لا تكلني الى نفسي طرفة عين ابدأ» (ص ۱۱ دوازدهم)
- ﴿اهدنا الصراط المستقيم﴾ (تنها دعای سوره حمد) (ص ۱۲۵ دهم)
- ۲- راز و نیاز با خداوند و کمک خواستن از او:

- ۳- دوری از گناه و تلاش برای انجام واجبات:
- گناه ریشه اخلاص را می سوزاند و آن را به تدریج از بین می برد.
- حدیث امام علی (ع): «تمام اخلاص در دوری از گناهان جمع شده است.»
- «خداوند بدان جهت روزه را واجب کرد تا اخلاص مردم را بیازماید.»

میوه های درخت اخلاص (دند):

- ۱- دستیابی به درجاتی از حکمت:
- حکمت: علم محکم و استوار و به دور از خطاست.
- نشان دهنده راه رسیدن به هدف درست مانع لغزش ها و تباهی
- به درجاتی از بصیرت و روشن بینی می رسد که می تواند در شرایط سخت و پیچیده، حق را از باطل تشخیص دهد و گرفتار باطل نشود.
- قرآن کریم، لقمان را به داشتن حکمت توصیف کرده است.
- سخن پیامبر (ص): «هرکس چهل روز کارهای خود را خالصانه برای خدا انجام دهد (علت) چشمه های حکمت و معرفت از دل و زبانش جاری خواهد شد. (معلول)»
- آیه: ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا...﴾ (ص ۶۵ دوازدهم)

اگر انسان در اخلاص پیش رود، به مرحله‌ای می‌رسد که دیگر فریب وسوسه‌های شیطان را نمی‌خورد.

**شعر:** «برو این دام بر مرغی دگر نه / که عنقا را بلند است آشیانه»

انسان مخلص به مرحله‌ای می‌رسد که دیگر فریب وسوسه‌های شیطان را نمی‌خورد و گرفتار دام‌های شیطان نمی‌شود.

مانند حضرت یوسف (ع): که به مقام مخلصین رسیده بود.

آیه ۳۲ و ۳۳ سوره یوسف کلیدواژه‌های آیه: ﴿لمتننی - راودته (زلیخا) فاستعصم - لیسجنن لیكونا من الصاغرین﴾

﴿رب السجن احب الی مما یدعوننی - و الا تصرف عنی کیدهن اصب الیهن (لطف خدا) - و اکن من الجاهلین (یوسف)﴾

- تحریک هوس‌های زودگذر

- کشاندن به گناه

- محروم ساختن از بهشت جاویدان

دام‌های شیطان برای:

مقاومت در برابر دام‌های شیطان نیازمند

پیشگاه خدا

از دست دادن زندگی پاک و بانشاط دنیا

از دست دادن حیات سرشار از شادکامی آخرت

﴿خسر الدنیا و الآخرة﴾

نتیجه‌گرفتاری در دام‌های شیطان:

ثمراتی فراتر از تصور و تخیل انسان

مانند دیدار محبوب حقیقی و تقرب به پیشگاه الهی که از طریق بندگی خالصانه خداوند بدست آورده‌اند.

بنا به تعبیر امیرمؤمنان: ۱- نهایت آرزوی عارفان - ۲- دوست دل‌های صادقان - ۳- ولی مؤمنان - ۴- معبود عالمیان

**۳- دریافت پاداش‌های وصف نشدنی:**

**۲- نفوذ ناپذیری در برابر وسوسه‌های شیطانی:**

کارهای انسان: جبری و طبیعی: مانند حرکت قلب برای گردش خون

اختیاری: مانند حرکات پا برای قدم زدن

اختیار: به معنای توانایی برای انجام یک کار یا ترک آن است، یک حقیقت وجدانی است و هر کس آن را در خود می‌یابد. (مشهود - بدیهی)

تفکر و تصمیم: اندیشیدن - تردید - سنجیدن - شعر: «این که فردا این کنم یا آن کنم...» ﴿فَمِنْ ابْصَرَ فَلْنَفْسِهِ وَمِنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا﴾ ﴿أَنَا هَدِيْنَاهُ السَّبِيْلَ...﴾

دلایل و شواهد اختیار: احساس رضایت یا پشیمانی: خرسندی و ندامت: نتیجه اراده و تصمیم‌گیری - شعر: «گر نبودی اختیار این شرم چیست...»

مسئولیت‌پذیری: مسئول کارها و آثار و عواقب عمل خود، جبران - زیان - عهدها و پیمان‌ها - شعر: «هیچ گویی سنگ را فردا بیا...»

﴿ذَلِكْ بِمَا قَدَّمْتَ اَيْدِيَكُمْ وَاِنَّ اللّٰهَ لَيْسَ بِظَلّٰمٍ لِّلْعَبِيْدِ﴾ (آثار ماتقدم ﴿قَدَّمْتَ﴾ ضرورت معاد در پرتو عدل الهی ﴿لَيْسَ بِظَلّٰمٍ﴾)

﴿أَنَا هَدِيْنَاهُ السَّبِيْلَ اِمَّا شَاكِرًا وَاِمَّا كَفُوْرًا﴾

﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ اَبْصَرَ فَلْنَفْسِهِ وَمِنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا﴾

﴿ذَلِكْ بِمَا قَدَّمْتَ اَيْدِيَكُمْ وَاِنَّ اللّٰهَ لَيْسَ بِظَلّٰمٍ لِّلْعَبِيْدِ﴾

آیات اختیار:

زمینه‌های شکوفایی اختیار ← قانونمندی جهان: خداوند قدرت اختیار و اراده را به ما عطا کرده و از ما خواسته با استفاده از آن، برای زندگی خود برنامه‌ریزی کنیم و در مسیر رشد و کمال تا آنجا پیش رویم که جز خداوند کسی به عظمت آن آگاه نیست.

قدر الهی: بنابر علم و حکمت الهی، تعیین اندازه، ویژگی، حدود، کیفیت و کمیت، روابط میان موجودات، طول، عرض، حجم، مکان، زمان،

ریزه کاری‌ها، نقشه جهان، اختیار انسان‌ها، کجی دیوار و محکمی دیوار (مقدّر به تقدیر الهی)

قانونمندی جهان: قضای الهی: بنابر اراده الهی، فرمان و حکم، به انجام رساندن، پایان دادن، حتمیت بخشیدن، آفریدن، ایجاد کردن، به اجرا در آوردن، ریختن و نریختن دیوار

(مقضی به قضای الهی)

حدیث امام علی (ع): «از قضای الهی (ریختن دیوار و مرگ) به قدر الهی (اختیار - عقل و دیوار محکم) پناه می‌برم.»

**پندار نادرست درباره قضا و قدر:**

- قدر و قضای الهی با اختیار انسان ناسازگار است.
- تقدیر چیزی و غیر از قانونمندی جهان و نظم در آن است.
- وقتی به حادثه‌ای تعلق گرفت هر قانونی را لغو و هر نظامی را بر هم می‌زند.

**نگاه درست درباره قضا و قدر:**

- هر چیزی مهندسی و قاعده خاص خود را دارد و تمام جهان بر آن قواعد بنا شده است.
- این قواعد توسط انسان قابل یافتن و بهره‌گیری است.
- بدون پذیرش قضا و قدر الهی هیچ نظامی برقرار نمی‌شود و هیچ زمینه‌ای برای کار اختیاری پدید نمی‌آید.

🔸 امام علی در پاسخ به فردی که می‌گوید: یا امیرالمؤمنین آیا از قضای الهی می‌گریزی؟ پاسخ داد: «از قضای الهی به قدر الهی پناه می‌برم.»

**برداشت نابجای آن فرد:**

- ما هیچ اختیاری در تعیین سرنوشت خود نداریم.
- اگر قرار باشد دیوار بر سرمان خراب شود حتماً اتفاق خواهد افتاد و ما نمی‌توانیم تغییری در آن ایجاد کنیم.
- بنابراین حرکت و تغییر مکان و تصمیم‌گیری براساس دستور عقل بی‌فایده است.

🔸 امیرالمؤمنین با رفتار و سپس گفتار خود، نگرش صحیح خود از قدر و قضای الهی را نشان داد و به آن شخص و دیگران آموخت: اعتقاد به قضا و قدر نه تنها مانع تحرک و عمل نیست بلکه عامل و زمینه‌ساز آن است.

🔸 اختیار یک تقدیر الهی است و خداوند این‌گونه تعیین کرده است که انسان کارهایش را با اختیار انجام دهد و نمی‌تواند از اختیار که ویژگی ذاتی اوست فرار کند. (خروج از تقدیر ناممکن است)

**انواع علل:**

- عرضی:** همکاری و مشارکت، کنار هم - هم سطح - مستقیم - مستقل - هم‌ردیف (مانند باغبان - خاک - آب - نور - حرارت - برای گیاه)
- طولی:** یک عامل در عامل دیگر - غیر هم سطح - غیرمستقیم - غیرمستقل - مرتبه‌های مختلف (مانند قلم و نوشتن - قلم - دست - ساختار عصبی - اراده - نفس)

🔸 رابطه اراده انسان با اراده الهی یک رابطه طولی است.

☞ قانونمندی حاکم بر جهان خلقت، تجلی تقدیر الهی و زمینه ساز حرکت و پویایی انسان و به کارگیری اراده و اختیار اوست.

### سنت های الهی:

- شناخت قوانین حاکم بر جهان خلقت موجب:
  - آشنایی با نشانه های الهی
  - بهره گرفتن از طبیعت
- شناخت قوانین حاکم بر زندگی انسان ها موجب:
  - نگرش صحیح به همه موارد و حوادث زندگی مانند تلخی ها و شیرینی ها و شکست ها ...
  - دیدگاه انسان را نسبت به وقایع و حوادث جهان از دیگران ممتاز می سازد.
  - در روابط انسان با خدا، با خود، با خلقت و با دیگران تأثیر به سزایی دارد.

**معنا:** قرار دادن فرد در تنگنا و یا موقعیتی که صفات درونی خود را بروز دهد و درستی یا نادرستی آنچه ادعا کرده را مشخص سازد.

### انواع امتحان:

- بشری:** برای آگاهی از حقیقت درون افراد است.
- الهی:** برای رشد دادن و به ظهور رساندن استعدادها و نشان دادن تمایلات درونی افراد است.

### ۱ - سنت ابتلاء (امتحان):

(عام ترین و فراگیرترین)

(آمنّا - یفتنون - فتنه -

نبلوکم - بلاء)

### عام:

- شامل همه انسان ها در همه دوران ها می شود.
- هویت و شخصیت انسان ها با این ابتلاها ساخته و شناخته می شود.
- کوچک ترین حادثه ای که پیرامون ما رخ می دهد امتحانی برای ماست برای روشن شدن تصمیم ها و عملکردها
- آیه:** ﴿کل نفس ذائقة الموت و نبلوکم بالشر و الخیر فتنه و الینا ترجحون﴾

### خاص:

- اگر انسان ایمان به خدا و بندگی او را اعلام کند وارد آزمایش های خاص آن می شود.
- حدیث امام صادق (ع): «انما المؤمن بمنزله کفة المیزان کَلَمَّا زید فی ایمانه زید فی بلاءه»
- آیه:** ﴿احسب الناس ان یترکوا ان یقولوا آمنّا و هم لایفتنون﴾

### نوع سنت:

دسته ای به ندای حقیقت پاسخ مثبت می دهند: لوازم و امکانات رسیدن به حق را می یابد مراتب کمال را می پیماید.

## ۲- سنت امداد عام الهی:

مردم در برابر دعوت انبیا دو دسته اند.

(نمذ - عطاء - محظوراً)

دسته ای لجاجت ورزیده و در مقابل حق می ایستند: کسی که فقط دنیا را انتخاب کرده، همان را بدست می آورد.

ترجمه آیه: «کسانی که زندگی دنیا و تجملات آن را بخواهند حاصل کارهایشان را در همین دنیا به آنان می دهیم و کم و کاستی

نخواهند دید اما اینان در آخرت جز آتش دوزخ ندارند و هرچه در دنیا کرده اند بر باد رفته و آنچه را که انجام می دهند،

باطل است.» (آیه اول ص ۱۷ دهم)

آیه: ﴿كَلَّا نَمْدُ هَؤُلَاءِ وَ هَؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا﴾ - رحمت واسعة الهی

آیه: ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِنَّمَا شَاكَرًا وَ إِنَّمَا كَفُورًا﴾

نسبت به کسانی که: — با نیت پاک قدم در راه حق می گذارند.

و سعادت جهان آخرت و رضایت پروردگار را هدف قرار دهند.

## ۳- امداد خاص (توفیق الهی):

(جاهدوا- لنهدينهم)

معنا: در فرهنگ قرآن کریم توفیق به معنای آسان نمودن است.

تعریف: همراه با سعی و تلاش که انسان از خود نشان می دهد، خداوند نیز شرایط و اسباب را در جهان فراهم می سازد که وی بتواند

آسان تر به مقصد برسد.

نصرت و هدایت الهی (معلول) به دنبال تلاش و مجاهدت (علت) و حمایت خداوند از انسان تلاشگر

آیه: ﴿وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا إِنَّا وَ اللَّهِ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾

ایجاد زمینه مناسب برای رشد و تعالی شخص مؤمن مانند یافتن دوست خوب و ...

جلوه های توفیق:

در کسب توفیق الهی عامل درونی (مانند روحیه حق پذیری)

مثال: شنیدن آیات قرآن: — لجاجت

تقویت ایمان

نقش تعیین کننده دارد.

مثال: گذشتن از کنار مسجد: — نماز اول وقت

بی توجه

لطف و مہربانی خداوند نسبت بہ ہمہ (نیکوکار و گناہکار)

آیہ: «پروردگار شما رحمت را بر خود واجب کرده است.» ﴿کتب ربکم علی نفسہ الرحمہ﴾

حتی آنجا کہ خداوند بر کسی کہ غضب می کند، از دریچہ لطف و رحمت است (مانند مادری کہ بر فرزندش سخت می گیرد).

راہ بازگشت گناہکار بہ خدا ہمیشہ باز (مفتوح) است.

نمونہ‌ها: آمرزش با توبہ و انجام کار نیک، حفظ آبروی گناہکار (ستار العیوب) - پذیرش عبادت اندک - رضایت سریع (سریع الرضا)

فرمان صبر کردن در نوشتن گناہ و فوراً ثبت کردن کار نیک توسط فرشتگان

آیہ: ﴿من جاء بالحسنه فله عشر امثالها و من جاء بالسيئه فلا يجزي الا مثلها و هم لا يظلمون﴾

#### ۴- سبقت رحمت بر غضب:

در گناہ و باطل پس روند.

از کار خود خرسند باشند.

با حق دشمنی (عناد) و لجاجت

بر امکانات و نعمت‌های آنان می افزاید.

مہلت‌ها و نعمت‌ها ... بہ صورت بلای الہی

ہلاکت ابدی

سنت حاکم بر زندگی معاندان (دشمنان) و غرق شدگان (مغروقان) در گناہ

حدیث: سخن امام علی (ع): ﴿چه بسا احسان پی در پی ← کسی را گرفتار کند.

چه بسا پردہ پوشی ← او را مغرور سازد.

چه بسا با ستایش مردم ← فریب خورد.

خدا هیچ کس را همانند کسی کہ مہلت دادہ، امتحان و آزمایش نکرده است.

آیہ: ﴿و الذين كذبوا بآياتنا سنستدرجهم من حيث لا يعلمون و املی لهم ان کیدی متین﴾

#### ۵- استدراج (کذبوا بایاتنا - املی - سنستدرجهم):

|                |                               |
|----------------|-------------------------------|
| کذبوا بایاتنا  | استدراج                       |
| کذبوا فاخذناهم | تأثیر اعمال انسان در زندگی او |

|       |                |      |
|-------|----------------|------|
| لجاجة | امداد عام      | ص ۷۰ |
|       | توفیق          | ص ۷۱ |
|       | املا و استدراج | ص ۷۲ |

آینده زندگی هر فرد و اتفاقات ← در موارد بسیار تحت تأثیر رفتارهای گذشته او اعم از خوب و بد است.

آیه: ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ (+) وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (-)﴾

(توفیق الهی)

حدیث امام صادق (ع): «مَن يَمُوتُ بِالذَّنْبِ مَمَّنْ يَمُوتُ بِالْأَجَالِ (-)»

«مَن يَعِيشُ بِالْإِحْسَانِ أَكْثَرُ مَمَّنْ يَعِيشُ بِالْأَعْمَارِ (+)»

۶- تأثیر اعمال انسان در زندگی او:

نمونه کارهای نیک تأثیرگذار در افزایش عمر: صله رحم - محبت به خویشان، صدقه

نمونه کارهای بد تأثیرگذار در کوتاهی عمر: قطع رحم - بی محبتی به خویشان

نمونه کارهای نیک که زندگی را بهبود می بخشد: احسان به والدین، امانت داری، لقمه حلال، آب دادن به درختان، برطرف

کردن غصه دیگران.

نمونه کارهای شر که باعث نزول بلاء و عدم استجاب دعا می شود: ظلم به دیگران، افزایش گناه فردی و اجتماعی.

آغاز هر حرکت، از جمله حرکت به سوی رشد و کمال، اندیشه و تفکر است.

**حرکت به سمت رشد و کمال:** گام بعدی حرکت برای کسب کمالات و مدارج معنوی و انسانی است. (انجام واجبات و ترک محرمات)

آیه: ﴿فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسُيِّدْ لَهُمْ فِي رَحْمَةِ مَنِّهِ وَفَضْلِ وَيَهْدِيهِمُ إِلَيْهِ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا﴾ (سنت توفیق الهی)

🌟 **رحمانیت و محبت خداوند:** حدیث قدسی خطاب به حضرت داوود: «ای داوود! اگر روی گردانان از من می دانستند که چگونه انتظار آن ها را می کشم ... بند بند وجودشان از محبت من، از هم می گسست.» (اشتقاق خدا به رستگاری ما) غفاریت خداوند

**انواع تصمیم ها:** برای تکمیل پیمان های قبلی و پیمودن ادامه راه

برای بازگشت از مسیری که چندی به غلط پیموده شده (انقلاب علیه خود دانی = توبه)

مثال: متحول شدن **بشر بن حارث** با جمله امام موسی کاظم (ع) که فرمود: «اگر بنده می بود، حرمت صاحب خود را نگه می داشت ...»

**توبه و بازگشت (حقیقت توبه):** انقلاب علیه خود دانی (نفس امّاره)

توبه درباره بندگان: بازگشت از گناه به سوی خدا و قرار گرفتن در دامن عفو و غفران اوست. (توبه عبد)

توبه درباره خداوند: گشودن درهای رحمت الهی به سوی انسان توبه کار و بازگشت آرامش به قلب او. (توبه معبود)

حالت پشیمانی قلبی، زبان حالش این باشد؛ چقدر بد شد، کاش این کار را نمی کردم ... (حتی اگر در دل باشد و به زبان جاری نکرده باشد).

حدیث امام باقر (ع): «برای توبه کردن پشیمانی کافی است.»

**توبه و پاکی:** تعریف: توبه گناهان را از قلب خارج می کند و آن را شست و شو می دهد. (پیرایش یا تخلیه)

حدیث: رسول خدا (ص): «التَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ»

امام علی (ع): «التَّوْبَةُ تَطَهَّرُ الْقُلُوبَ وَتَغْسِلُ الذُّنُوبَ»

- ۱- با توبه همه گناهان حتی شرک هم آمرزیده می شود آیه: ﴿يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ اسْرِفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ ۖ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً ۖ﴾ ۲- اِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿
- ۲- توبه نه تنها گناهان را پاک می کند بلکه به کمک ایمان و عمل صالح، گناهان را به حسنات تبدیل می کند. آیه: «هرکس بازگردد و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد خداوند گناهان آنان را به حسنات تبدیل می کند زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است.»
- ۳- توبه در جوانی آسان تر است. پیامبر (ص): «کسی نزد من (خداوند) محبوب تر از جوان توبه کار نیست.»
- ۴- در توبه همیشه باز است (سنت سبقت رحمت بر غضب)، اما توفیق توبه همواره میسر نیست، باید لحظه های توفیق را شکار کرد.
- ۵- تکرار توبه اگر واقعی باشد، موجب محبوب شدن انسان نزد خداوند و جلب رحمت او می شود. آیه: ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ﴾

چند نکته:

- ۱- ناامید کردن از رحمت الهی: دعوت به گناه با وعده گناه کن و بعد توبه کن و سپس مأیوس کردن ← آب که از سرگذشت چه یک وجب چه صد وجب در حالی که آدمی، هر قدر که بد باشد، اگر واقعاً توبه کند، حتماً خداوند توبه اش را می پذیرد، شعر: «بازاً بازاً هر آنچه هستی بازاً ... این درگاه ما درگاه نومیدی نیست» ﴿لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ ...﴾
- ۲- به تأخیر انداختن توبه (تسویف): انسان را به تسویف می کشاند. (امروز و فردا کردن توبه) بیشتر برای گمراه کردن جوانان - میل به توبه را خاموش می کند. سبب عادت جوان به گناه می شود.
- ۳- گام به گام کشاندن به سوی گناه: گام به گام و آهسته و تدریجی انسان را به گناه می کشاند به طوری که متوجه زشتی گناه و قبح آن نشود.

حیله های شیطان:

## مراحل تکمیلی توبه:

## ۱- تلاش در جهت دور شدن از گناهان:

توبه کننده تلاش می کند دیگر سراغ گناهی که از آن پشیمان شده است نرود.

گرچه ممکن است به آن گناه علاقه ای هم داشته باشد، سعی خواهد کرد در عمل از آن دوری نماید.

## حقوق الهی (حق الله):

مهم ترین حق، حق اطاعت و بندگی است.

قضا کردن نمازها و روزه های از دست داده.

البته خداوند به بندگان خود مهربان است و اگر ببیند که شخص توبه کار

تلاش خود را کرده و نتوانسته همه گناهان را جبران کند بقیه موارد

را خود جبران نموده و او را عفو می کند (سبقت رحمت بر غضب)

## حقوق مردم (حق الناس):

مادی: مانند ستم به مردم، که باید جبران شود.

معنوی (مهم تر): ریختن آبرو - شکستن قلب والدین -

گسترش فساد و گمراهی - ایجاد بدبینی به دین

## ۲- جبران حقوق الهی و حقوق مردم:

## توبه اجتماعی:

انحراف های اجتماعی باید در همان مراحل ابتدایی خود اصلاح شوند تا گسترش نیابند.

رباخواری، رشوه گرفتن، بی توجهی به عفاف، پاکدامنی، ظلم کردن و ظلم پذیری ← از گناهان اجتماعی است.

مهم ترین راه اصلاح و معالجه جامعه از بیماری های اجتماعی، وظیفه امر به معروف و نهی از منکر است. (نظارت همگانی)

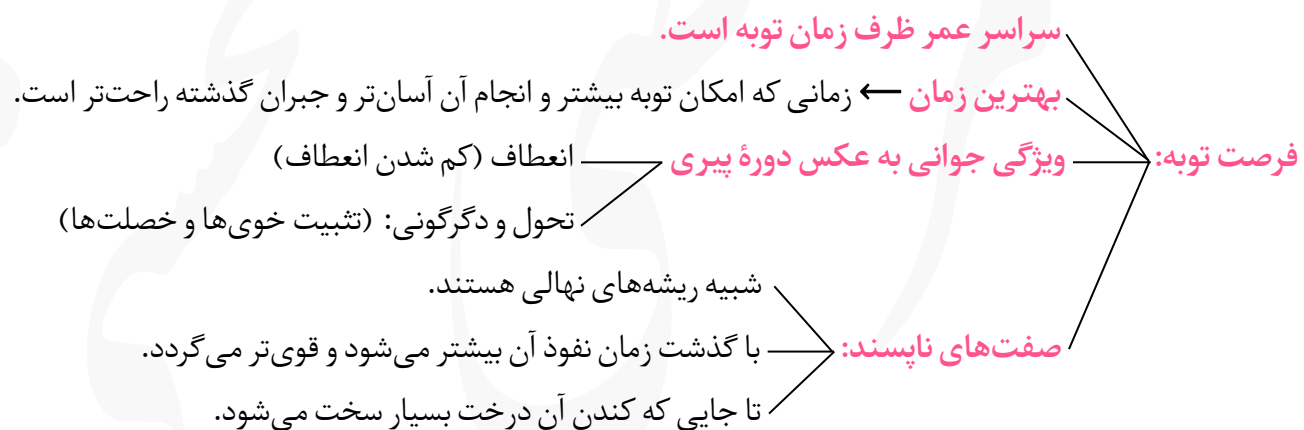
کوتاهی (قصور) در این وظیفه: ۱- گناهان اجتماعی قوی تر و محکم تر می شود و در تمام سطح جامعه نفوذ می کند.

۲- اگر مردم کوتاهی کنند و اقدامات دلسوزان جامعه به جایی نرسد به تدریج انحراف از حق بیشتر و بیشتر می شود و اصلاح

آن مشکل می شود و نیاز به تلاش های بسیار و فعالیت های اساسی دارد تا آنجا که ممکن است نیاز باشد انسان های بزرگی

جان و مال خود را تقدیم کنند.

حساسیت در برابر گناه و ایستادن در برابر آن ← جامعه به وضع صلاح و درستی باز می گردد و به آسانی می توانند مانع گسترش گناهان شوند.



**تزکیه نفس:** رمز سعادت و رستگاری است. (آیه ۹ سورة شمس: ﴿قَدْ افْلَحَ (مَعْلُول) مَنْ زَكَاها (عَلَتْ)﴾)  
 زمانی اتفاق می افتد که نفس ما از آلودگی ها پاک شود.  
 این کار با توبه «التائب من الذنب ... - التوبة تطهر القلوب ...» از گناهان آغاز می شود و با عمل به دستورات الهی تداوم می یابد. (احکام)

**احکام دینی:** تضمین کننده زندگی سالم در دنیا و تأمین کننده سعادت و نیک بختی اخروی و ابدی  
 نمی توان بایدها و نبایدهای دین الهی را با قوانین بشری که اهداف محدودی دارند مقایسه کرد.  
 خداوند می داند که فلان گناه مانع بزرگی بر سر راه سعادت و نعمت های ابدی و وصف ناشدنی است.  
**آیه:** «هیچ کس نمی داند چه پاداش هایی که مایه روشنی چشم هاست برای آن ها نهفته شده این پاداش ها کارهایی که انجام می دادند.»  
**حدیث قدسی:** «برای بندگان نیکوکارم (محسنین) چیزهایی ذخیره کرده ام که نه چشمی دیده، نه گوشی شنیده و نه به ذهن کسی خطور کرده است.»  
**زندگی دینی:** تنها شیوه مطمئن و قابل اعتمادی است که پیش روی هر انسان خردمند و عاقبت اندیش قرار دارد.  
 تکیه بر خداوند و اعتماد به دستورات او، هرگونه نگرانی نسبت به آینده را از بین می برد.  
**آیه:** ﴿افمن اسس بنيانه على تقوى من الله ورضوان خير ام من اسس بنيانه على شفا جرف هار فانهار به نار جهنم و الله لا يهدي القوم الظالمين﴾

### چهار نکته

### در مورد احکام الهی:

۱- بین سعادت انسان در دنیا و جهان آخرت و باید و نبایدهای دین (احکام) **ارتباط و هماهنگی** برقرار است و نیازمند برنامه و زندگی جدی است و عزم قوی و استوار می طلبد.

۲- **علت و دلایل خاص دستورات الهی (حکمت الهی):** گاهی ما حکمت برخی از دستورات را می دانیم و گاهی از آن ها مطلع نیستیم. برخاسته از علم بی نهایت الهی است و علم ما در برابر آن بسیار ناچیز است. با فهمیدن یکی از حکمت های یک حکم الهی، نباید بپنداریم که به همه علت های آن پی برده ایم.

۳- **خداوند نصیحتگر حقیقی:** به منظور پیش گیری از خطرات هشدارهایی داده است تا مردم خطرات را بشناسند. ورزش با قمار یا زیان آور، حرام است. خداوند به ضررهای یک عمل نگاه می کند نه دوست داشتن یا نداشتن مردم آیه: «چه بسا چیزی را خوش نمی دارید و آن برای شما خوب است و چه بسا چیزی را دوست می دارید و آن برای شما بد است و خدا می داند و شما نمی دانید.» = علم الهی

۴- **استخراج احکام:** براساس نیازهای جدید و متناسب با شرایط نه براساس انحراف جامع بشری: ایستادگی و مبارزه پیامبران رونق شراب و قمار در جاهلیت **انقلابیم اعقابکم** (ص ۸۹ یازدهم): **آیه:** **یستلونک عن الخمر و المیسر قل فیهما اثم کبیر و منافع للناس و اثمهما اکبر من نفعهما** انحرافات جنسی: در جاهلیت **انقلابیم اعقابکم** (ص ۸۹ یازدهم) **آیه:** **ولا تقربوا الزنی انه کان فاحشه و ساء سبیلا**

(حکمت)

(حکم)

**فرهنگ:** تعریف: روح معنوی حاکم بر جامعه و نشان دهنده هویت و شخصیت آن است.

**معیارهای تشخیص ارزشمندی فرهنگ:** اصلی: ایمان و اعتقاد به خدا، پیامبران و معاد (توحید، نبوت و معاد)

معیارهای دیگر: توجه به عدالت، خردورزی، علم و عفاف پاکدامنی، دوری از شهوت و غضب و پایبندی به احکام و دستورات الهی

۱- تولید، توزیع و تبلیغ فیلم‌ها و ... به منظور گسترش فرهنگ و معارف اسلامی و **مبارزه با تهاجم فرهنگی** و ... از **مصادیق مهم عمل صالح** و از **واجبات کفایی** و دارای **پاداش اخروی** است.

نکته مهم: حق نشر، حق تکثیر یا کپی رایت، مجموعه‌ای از حقوقی است که به پدیدآورنده یک اثر در حوزه‌های مختلف تعلق می‌گیرد.

تنها پدیدآورنده آن اثر اجازه نشر و تکثیر آن را دارد و هرگونه بهره‌برداری نیاز به دریافت اجازه است.

**طبق نظر همه مراجع:** اگر تولیدکننده یک اثر، تکثیر و کپی آن اثر را جایز نداند تکثیر آن حرام است، خرید و استفاده از این

آثار تکثیری نیز **حرام** است.

احکام عرصه

۲- ایجاد پایگاه‌های اینترنتی و شبکه‌های اجتماعی به منظور اشاعه فرهنگ و معارف اسلامی و مقابله با اندیشه‌های کفرآمیز **مستحب** است و در مواردی **واجب کفایی** است، افرادی که توانایی علمی، فنی و مالی آن را دارند باید به ایجاد آن مبادرت کنند. (واجب کفایی)

بنابراین: بر دولت اسلامی واجب است که زیر ساخت‌های لازم را برای پایگاه‌های ارتباطی بومی داخلی فراهم کند.

بر ما واجب است که حتی المقدور از وسایل ارتباطی داخلی بهره ببریم و مانع نفوذ سلطه رسانه‌ای بیگانگان شویم.

۳- استفاده از موسیقی سنتی و کلاسیک و یا سنتی و غیر سنتی و مدرن **جایز و حلال** است بجز آن موسیقی که بی‌بندوباری و شهوت را تقویت و تحریک می‌کند و مناسب مجالس لهو و لعب است (علت حرمت)، **حرام** است.

۴- تولید، توزیع و تبلیغ فیلم‌ها و سایر رسانه‌ها که موجب انحراف و فساد می‌شوند و یا در بردارنده **موسیقی مطرب** و مناسب با مجالس لهو و گناه باشد (علت حرمت) از **گناهان بزرگ** شمرده شده و خرید و فروش و تماشا و گوش کردن آن **حرام** است.

۵- شرکت در مجالس شادی مانند جشن عروسی، جشن‌های مذهبی و ملی **جایز** است و حتی اگر موجب صله رحم شود **مستحب** است. به شرط آن که در این مجالس، احکام دینی مانند روابط محرم و نامحرم رعایت شود.

فرهنگ و ارتباطات:

## احکام عرصه ورزش و بازی:

- ۱- اسلام از مسلمانان می خواهد از هرکاری که تندرستی را به خطر می اندازد، دوری کند، قوی تر شدن **وقتی ارزشمند** است که سبب تواضع و فروتنی انسان شود نه فخر فروشی.
- ۲- کسانی که در برگزاری بازی ها و ورزش های دسته جمعی پیش قدم می شوند از **پاداش اخروی** بهره مند خواهند شد.
- ۳- شرط بندی از **امور زیان آور روحی و اجتماعی** (علت حرمت) است و انجام آن حتی در بازی ها و ورزش های **معمولی** نیز **حرام** می باشد. (در هر شرایطی)
- ۴- اگر ورزش و بازی های ورزشی برای دور شدن افراد جامعه از فساد **ضرورت** یابد، فراهم کردن امکانات آن **واجب کفایی** است.

**سبک زندگی در عصر حاضر:** تولید انبوه کالا - مصرف فراوان - کاهش منابع زمین - نابودی محیط زیست

- ۱- مسئولین باید اقتصاد کشور را به گونه‌ای مدیریت کنند که این امور محقق شود:
  - ۱: استقلال اقتصادی وعدم سلطه و نفوذ بیگانگان
  - ۲: پیشروی به سوی عدالت و قسط و کاهش فاصله طبقاتی
  - ۳: حرکت بسوی آبادانی و عمران در عین دوری از دنیا زدگی و تجمل گرایی
- ۲- تلاش برای رزق و روزی حلال و پرهیز از عواملی که باعث ناپاک شدن روزی می شود:
  - تولید کالا با کیفیت باشد.
  - فریبکاری در معامله نباشد.
- ۳- برای آشنایی با حلال و حرام در کسب و کار و تجارت باید با احکام تجارت آشنا شویم. / امام علی (ع): «یا معشر التجار، الفقه ثم المتجر» ← استفاده از کالای ایرانی و تولید کالای مرغوب - اگر مصرف کالای خارجی سبب وابستگی شود واجب است از خرید آن خودداری کنیم.
- ۴- واجب است بر:
  - مسئولین: از اشرافی گری و تجمل گرایی اجتناب کنند. (مهم ترین عوامل عقب ماندگی اقتصادی و بوجود آمدن فاصله طبقاتی است و علاوه بر آثار منفی اقتصادی باعث بی اعتمادی عمومی و رواج تجمل گرایی میان مردم می شود.
  - مجموعه افراد جامعه با:
 

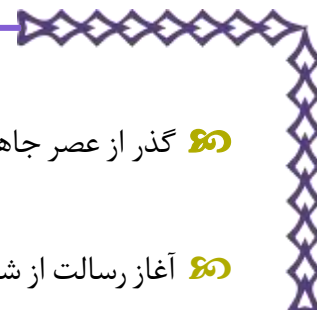
{

پیروی از پیامبر (ص)

و امر به معروف و نهی از منکر

 ← روابط اقتصادی را سالم نگه دارند.
- ۵- جلوگیری از تخریب محیط زیست و توصیه به دیگران.
- ۶- دوری از تجمل و مدگرایی برای مراعات دیگران و پیشه کردن سادگی زیستی.
- ۷- واجب است که دولت روابط اقتصادی را به گونه‌ای تنظیم کند که کشورهای سلطه گر نتوانند در مواقع خطر کشور ما را تحت فشار قرار دهند.
- ۸- هر نوع تجارتی به نفع رژیم صهیونیستی (وارد کردن و ترویج کردن) **حرام** است.

**احکام عرصه اقتصاد:**



﴿ گذر از عصر جاهلیت به عصر اسلام نیازمند: (۱) تغییر در نگرش انسان ها  
(۲) تحول بنیادین در شیوه زندگی فردی و اجتماعی

﴿ آغاز رسالت از شهر مکه (۱۳ سال) و پایه گذاری جامعه دینی در مدینه (۱۰ سال)

۱- ایمان به خدا (توحید و یکتاپرستی) — **آیه: ﴿مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ...﴾**

**حدیث پیامبر:** «ای مردم بگوئید معبودی جز (الله) نیست تا رستگار شوید.»

۲- ایمان به زندگی در آخرت (معاد) — **آیه: ﴿... الْيَوْمَ الْآخِرِ وَعَمَلٍ صَالِحاً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾**

فرا تر بردن افق نگاه انسان ها از محدوده زندگی دنیوی

حاکمیت ولایت الهی باشد و نظام اجتماعی بر پایه قوانین و دستورات الهی استوار گردد.

۳- پذیرش ولایت الهی و دوری از حاکمیت طاغوت: — **آیه: ﴿اطيعُوا اللَّهَ وَاطيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾**

**خلفای بنی امیه و بنی عباس:** خارج شدن از دایره ولایت الهی

حکومتشان بر اساس امیال خود بود.

۴- عدالت اجتماعی: **بر پایه جامعه عدالت محور:**

مظلوم بتواند به آسانی حق خود را از ظالم بستاند.

امکان رشد برای همه انسان ها فراهم شود.

نعمت ها و ثروت های زمین در انحصار گروهی محدود نباشد.

**برقراری فرهنگ برابری و مساوات:** — **آیه: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾**

**حدیث پیامبر (ص):** «برترین جهاد سخن حقی است که انسان در مقابل سلطانی ستمگر بر زبان آورد.»

**اوصاف قرآنی:** — **نمازگزاران** ← قرار دادن حق معینی برای محرومان از مال خود

**تکذیب کنندگان دین:** راندن یتیمان

تشویق نکردن دیگران به اطعام مساکین

**مذاکره:** فرمانده سپاه مسلمانان (زهره بن عبدالله) با فرمانده سپاه ساسانیان (رستم فرخزاد) علت اختلاف: مردم همه از یک

پدر و مادر زاده شده اند و همه برادر و خواهر یکدیگرند (عدم تبعیض طبقاتی)، علت برتری اسلام

معیارهای

تمدن اسلامی:

## ۵- ارتقای جایگاه خانواده و احیای منزلت زن:

خانواده:

کانون رشد و تربیت انسان ها

مانع اصلی فساد و تباهی

احیای منزلت زن و ارزش های اصیل او از عناصر اصلی دین و اهداف مهم پیامبر اکرم (ص)

زن:

قبل اسلام در دوره جاهلیت:

زن همچون کالا تلقی می شود.

از کمترین حقوق فردی و اجتماعی حتی از حق مالکیت برخوردار نبود.

تولد دختر مایه سرافکندگی بود.

محروم از هرگونه احترام و جایگاه

رفتار پیامبر با دخترش حضرت فاطمه (س)

استقلال مالی، زنان حق مالکیت داشتند و وقف می کردند.

حق تحصیل زنان

حدیث: «هیچ مردی نیست که زنی از محارم خود را شاد کند...»

حدیث: «دختران چه فرزندان خوبی هستند سرشار از لطف...»

رفتار ایشان با دخترش حضرت فاطمه (س) برای جامعه آن روز بسیار آموزنده بود...

پیامبر همواره دست دخترش را می بوسید (رفتار)

حدیث: «بهترین زنان چهار تن اند: مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه (س)»

«خداوند از خشنودی فاطمه خشنود...»

«فاطمه پاره تن من است...»

در عصر بنی امیه و بنی عباس بازگشت به جاهلیت، حرم سرا

آیه: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ

رحمة ان فی ذلک لآیاتٍ لقوم یتفکرون﴾

بعد از اسلام:

(انقلابی عظیم در جایگاه

خانواده با گفتار و رفتار خود)

## ۶- عقل گرایی و علم آموزی:

**در جاهلیت:** نشانه های اندکی از تعقل و تفکر بود. - زندگی سرشار از خرافات - فقط هدفه نفر خواندن و نوشتن می دانستند.

**بعد از اسلام:** جامعه جاهلی متحول شد. - زندگی مبتنی بر تفکر و علم - اولین آیات که آغازگر رسالت بود درباره دانش و آموختن بود.

نزول تدریجی قرآن و دعوت مکرر آن و تشویق دائمی پیامبر (علت) سد جاهلیت و خرافه گرایی را شکست و آن ها را مشتاق علم ساخت. (معلول)

**حدیث پیامبر (ص):** «طلب علم بر هر مرد و زن واجب است.»

«کسی که دوست دارد نگاهش به چهره کسانی افتد که از آتش دوزخ در امان اند به جویندگان علم بنگرد. سوگند به

کسی که جان من در دست قدرت اوست هر شاگردی که برای تحصیل علم [نه به قصد شهرت و نه برای تظاهر و تفاخر]،

به خانه عالمی رفت و آمد کند در هر گامی، ثواب و پاداش عبادت یکساله عابد برای منظور می گردد و برای هر قدمی

که در این مسیر می نهد، شهر آبادی در بهشت برای او آماده می سازند، بر روی زمین که راه می رود زمین نیز برای او

طلب آمرزش می کند...»

حدیث حضرت فاطمه (س) در برابر سؤالات بسیار زن سؤال کننده: «من هم کارگزارم خود را خادم خداوند قرار داده ام مزد من در برابر هر

سؤالی که پاسخ دهم، از مجموع مرواریدهایی که فاصله میان زمین و آسمان را پر کند بیشتر است، پس سزاوار است که از پرسش های تو

احساس رنج و زحمت نکنم.»

**آیه:** ﴿قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ﴾

**تلاش پیامبر (ص) و معصومین:** سبب علاقه مسلمان به علم و دانش شد

توسعه شاخه های علمی (تا پانصد شاخه)

رشد و تربیت دانشمندان بزرگ اسلامی: ابن سینا: آثارش از عوامل اصلی تحول در اروپا

ملاصدرا: هماهنگی میان دین و تفکر عقلی

علم آموزی زنان مدینه از پیامبر (ص) و حضرت فاطمه (س) و راوی حدیث بودن همسران پیامبر (ص)

|               |          |
|---------------|----------|
| اولی الامر    | امامان   |
| اولوا الالباب | خردمندان |

❖ آنجا که قرآن کریم اوصاف مُصلّین را بیان می کند ، چگونه آنان را معرفی می کند و این موضوع با کدام عبارت قرآنی هم آوایی دارد؟

- ۱) یتیمان را از خود نمی رانند و دیگران را به اطعام مساکین تشویق می کنند. - ﴿لقد ارسلنا رسلنا بالبینات...﴾
- ۲) یتیمان را از خود نمی رانند و دیگران را به اطعام مساکین تشویق می کنند. - ﴿... انما يتذكر اولوا الالباب﴾
- ۳) آنان در مال خود برای محرومان و فقیران نیز حق معینی قرار داده اند. - ﴿لقد ارسلنا رسلنا بالبینات...﴾
- ۴) آنان در مال خود برای محرومان و فقیران نیز حق معینی قرار داده اند. - ﴿... انما يتذكر اولوا الالباب﴾

❖ مفاهیم زشت شمرده شدن بی توجهی به محرومان و ایجاد تحولی بزرگ توسط پیامبر با گفتار و رفتار از نتایج معیارهای تمدن اسلامی به ترتیب در کدام آیات شریفه متجلی است؟

- ۱) ﴿قل هل يستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون...﴾ - ﴿من امن بالله و الیوم الآخر و عمل صالحا...﴾
- ۲) ﴿قل هل يستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون...﴾ - ﴿و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً...﴾
- ۳) ﴿لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان...﴾ - ﴿و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً...﴾
- ۴) ﴿لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان...﴾ - ﴿من امن بالله و الیوم الآخر و عمل صالحا...﴾

❖ کدامیک از معیارهای تمدن اسلامی از عبارات قرآنی زیر برمی آید؟

- ﴿لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان...﴾
- ﴿... انما يتذكر اولوا الالباب﴾
- ﴿... فلهم اجرهم عند ربهم و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون﴾

- ۱) عدالت اجتماعی - جایگاه زن و خانواده - توحید و ایمان به آخرت
- ۲) عدالت اجتماعی - جایگاه عقل و علم - توحید و ایمان به آخرت
- ۳) قسط و عدل - جایگاه عقل و علم - پذیرش ولایت الهی
- ۴) قسط و عدل - زن و خانواده - پذیرش ولایت الهی

اروپا تاکنون حداقل شاهد سه تمدن بوده است که آخرین آن یا همان تمدن جدید، تقریباً تمامی جوامع جهان امروز را تحت تأثیر خود قرار داده است.

**فواید آشنایی با نقاط ضعف و قوت تمدن جدید:** اول: تأثیرپذیری و تأثیرگذاری - هر قدر آگاهی و هوشیاری ما بیشتر باشد (علت) قدرت تأثیرگذاری ما بیشتر خواهد بود. (معلول)

دوم: بهره‌مندی از نقاط ضعف و قوت و عبرت گرفتن از ضعف‌ها

**زمینه پیدایش تمدن‌های جدید:** (۱) **کلیسا و تعالیم تحریف شده:** تمدن دوم اروپا (قرون وسطی) کنار گذاشتن بت‌پرستی و روی آوردن به مسیحیت آغاز شد. اعتقادات نادرست: آدم در بهشت مرتکب گناه شد. (کب)

هرکس با گناه اولیه به دنیا می‌آید. (غسل تعمید)

فدا شدن حضرت عیسی به تاوان گناه بشریت

اعتراف به گناه در حضور کشیش و به دست آوردن عفو ابدی

فروختن بهشت

عدم امکان جدایی زن و شوهر پس از ازدواج

اعتقاد به ناسازگاری میان ایمان و تعقل

مخالفت با نظریات علمی

نتیجهٔ اعتراف گناه در حضور کشیش و ...: سست شدن ارتباط شخصی با خدا

واسطه قرار گرفتن کشیش‌ها میان انسان و خدا

**(۲) بهره‌گیری از تجربیات سایر تمدن‌ها:** قرن هفتم میلادی، اواسط قرون وسطی، تولد تمدن اسلامی

بهره‌برداری از تمدن اسلامی: ترجمه کتاب‌ها، علاقه پژوهش

نقاد رهبری کلیسا

خردورزی

گزارش‌های تاریخی: مونته‌گمری وات: اروپا مدیون بودن به تمدن اسلامی

ویل دورانت: بسیاری از هنرها و فنون مانند: معماری و

اسلحه‌سازی ... مدیون صنعتگران مسلمان

**مونته‌گمری وات:** علم و فلسفه در اروپا بدون کمک گرفتن از فرهنگ

اسلام توسعه نمی‌یافت. اسلام نه تنها در تولیدات مادی و اختراعات اروپا

شریک بلکه اروپا را واداشت ... و به مدیون بودن عمیق خودمان به جهان

اسلام اعتراف کنیم.

آثار و پیامدهای مثبت و منفی تمدن جدید:

- حوزه علم
- حوزه عدل و قسط
- حوزه خانواده

**آثار مثبت (رت):**

- ۱- **رشد سریع علم:** جهش فوق العاده تولید علم (دوران علم) جهان امروز را متحول کرده است.
- ۲- **توانایی بهره‌مندی از طبیعت:** تصرف در طبیعت تا جایی که قدرت خود را به رخ طبیعت می‌کشد.

**حوزه علم:**

**آثار منفی (منع):**

- ۱) **مصرف زدگی:** تولید انبوه کالاها بیش از نیاز طبیعی - جاذبه تبلیغات - نیازهای کاذب، تنوع طلبی - در نتیجه دل مشغولی و غفلت از بُعد معنوی و متعالی

✱ جدی‌ترین آسیب این رویه، تغییر الگوی زندگی و دل مشغولی دائمی ...

✱ در نتیجه، انسان را از اساسی‌ترین نیاز خود یعنی پرورش و تکامل بعد معنوی و متعالی خویش غافل می‌سازد.

۲) **نابودی طبیعت:** بهره‌برداری زیاد بواسطه افزایش توان علمی - تخریب ساختار طبیعی محیط زیست

۳) **علم زدگی:** از قرن ۱۸ ← احساس کردند علم تجربی تنها رمز موفقیت و سعادت ملت‌هاست.

✱ این مسئولیت بزرگ و حساس نیازمند برنامه‌ای است که ما را به آن سطح توانمندی برساند.

**مسئولیت ما (تحت):**

- ۱) تلاش برای پیشگام شدن در علم و فناوری: پیشرفت علمی: پایه‌های استقلال یک ملت تقویت می‌کند.

مانع تسلط بیگانگان می‌شود.

۲) حضور مؤثر و فعال در جامعه جهانی: پیام اسلام پیامی مطابق با فطرت انسان و هر انسان حقیقت طلب با آن مواجه می‌شود.

۳) ترسیم چهره عقلانی و منطقی دین اسلام: میان یک پیام و روش تبلیغ باید تناسب منطقی و معقول برقرار باشد.

**آیه:** ﴿ادع الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن...﴾



حوزه عدل و قسط:

آثار مثبت (تم):

(۱) توجه به قانون:

توجه گسترده به حقوق ، قانون که عموماً عکس العملی در برابر حاکمیت نامطلوب کلیسا بود.  
 آگاهی به قانون و حقوق ابتدا با ترجمه آثار اسلامی اتفاق افتاد.  
 مردم با حقوق خود در مقابل دولت ها و در رابطه با یکدیگر آشنا شدند و به تدوین قوانین حقوقی پرداختند و برای حفظ آن ها سازمان هایی تأسیس کردند.  
 (۲) مشارکت مردم در تشکیل حکومت: حق تعیین سرنوشت و دخالت مردم

آثار منفی (ظا):

(۱) ظهور ظلم فراگیر و پدیده استعمار

۱- تولید انبوه کالا - ۲- نیاز به بازارهای کشورهای دیگر - ۳- احتیاج به منابع طبیعی دیگر کشورها - ۴- روحیه توسعه طلبی (علت) سبب شد سرمایه داران و قدرتمندان غربی کشورهای دیگر را استعمار کند. (معلول)  
 دوره استعمار دوره غارت علنی ثروت ملت ها - برده داری - نژادپرستی - استعمار نو  
 (۲) افزایش فاصله میان انسان های فقیر و غنی در جهان: نفع طلبی فزاینده سرمایه داران - منابع طبیعی با بهایی اندک خریدند و تاراج کردند. (استعمار)

مسئولیت ما (ما):

(۱) مبارزه با ستمگران و تقویت فرهنگ:

جهاد و شهادت

امام خمینی (ره): نکته مهمی که باید اصل و سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم:  
 الف) دشمنان، و جهان خواران تا کی و تا کجا ما را تحمّل می کنند. ب) تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند.  
 برای تحقق سخن حق باید قیام نمود تا موانع حق و حق پرستی در جامعه زدوده شود و این مهم با تلاش و پشتکار و آمادگی برای شهادت و ... میسر می شود.

(۲) استحکام بخشیدن به نظام اسلامی: مهم ترین عامل برای حضور کارآمد در میان افکار عمومی جهان است.



✱ مهم ترین عوامل استحکام نظام اسلامی: (۱) استحکام پایه های اقتصادی (۲) تلاش برای کاهش فقر (۳) توسعه عدالت در همه ابعاد (۴) اتحاد ملی و انسجام اسلامی (۵) مشارکت عمومی در عمل به وظیفه مقدس امر به معروف و نهی از منکر (نظارت همگانی صفحه ۱۳۱ یازدهم)

